

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۹۵

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel: 0046720077654

۱۰ مهر ۱۳۹۲، ۲ اکتبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

ماشین کشتار حکومت را میتوان زمین گیر کرد



به اجرا گذاشته شده است و اگر مقاومت زندانیان و مبارزه خانواده ایشان و فعالیت کمیته بین

صفحه ۲

که يك نمونه آن به خیابان آوردن تانک و له کردن ۸۰۰ دیش ماهواره در شیراز بود.

تنها در همان چند روزی که رئیس جمهور حکومت اسلامی در نیویورک علیه خشونت و راجی میگرد، ۲۲ زندانی توسط دستگاه قضایی حکومت کشتار شدند و از مقطع اعلام ریاست جمهوری او بیش از ۲۰۰ نفر حکم اعدامشان

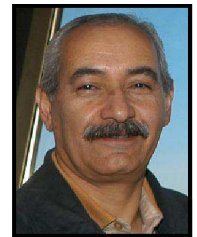
در حالیکه ملی اسلامی ها و رسانه های غربی گوش دنیا را با خبر مذاکره جمهوری اسلامی با دولت آمریکا کرده اند و اندر باب "اعتدال" روحانی سخن سرائی میکنند، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی به آدمکشی اش شدت داده، مجلسشان علیه کودکان و زنان قانون جدید خشونت و تجاوز وضع میکند و نیروی سرکوبشان حمله به مردم را افزایش داده است

وعده های روحانی: خالی کردن زندانها، پر کردن گورها

اصطلاح اعتدال می توان بخوبی مشاهده کرد. روحانی درست می گوید که اختیار تام دارد. در جمهوری اسلامی اختیار تام در کشتار و اعدام جوانان زیر ۱۸ سال، اعدام زنان، زندانیان سیاسی عقیدتی و هر انسانی که به هر دلیلی در چنگال جنایتکاران اسلامی گرفتار شده باشد نیازی به گرفتن دستور از خامنه ای و نهادهای قضایی رژیم اسلامی ندارد. روحانی دارد به عهد خود وفا می کند و با خالی کردن زندانها از زندانیان، گورهای دسته جمعی را جایگزین آنها می کند.

در ادامه کمپین دفاع از محکومین به اعدام، مینا احدی و کمیته بین المللی علیه اعدام تلاش بی وقفه و شبانه روزی را در همراهی

صفحه ۲



عبدل گلپریان

از آغاز معرفی روحانی بعنوان رئیس جمهور حکومت اسلامی تا کنون اعدام ۲۱۸ انسان در پرونده رئیس جمهور "اعتدال" ثبت شده است. این روند نه تنها پایانی ندارد بلکه همچنان با سبعت در حال افزایش است. این آمار را اگر با آمار اعدامهای سه ماهه هر يك از دولت های پیشین مقایسه کنید رکورد بالاترین اعدامها را در دولت به

پس از گذشت نزدیک به دو سال و برگزاری دادگاههای متعدد، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا بار دیگر مورد محاکمه قرار گرفتند

تجدید نظر استان کردستان این دو فعال کارگری و عضو هیات مدیره صفحه ۳

و برگزاری دادگاههای متعدد بر علیه این کارگران، صبح دیروز هفتم مهر ماه شعبه اول دادگاه

اتحادیه آزاد کارگران ایران: پس از گذشت ۲۱ ماه از بازداشت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا

پنج نفر از کارگران اویهنگ دستگیر شدند!

محکوم کردن دستگیری این کارگران از همه همکاران و خانواده های این عزیزان میخواهد برای آزادی آنها تلاش کنند و مقامات محلی را تحت فشار قرار دهند که فوری و بدون قید و شرط همه آنها را آزاد کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳

اخطار و یا احضاریه قبلی و بدون هیچ دلیلی دستگیر شده اند. علاوه بر اینکه دلیل دستگیری و بازداشت آنها نامشخص است همچنان بلا تکلیف در بازداشت بسر میبرند. دستگیر شدگان عبارتند از: ماکوان بهاری عزیز خدایاری، رفتار خدایاری، قانع رضایی هزار لطفی.

همه دستگیر شدگان اهل روستای اویهنگ از توابع سندرچ میباشند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است پنج نفر از کارگران اهل روستای اویهنگ هفته گذشته در شهر "حصارک" دماوند بوسیله نیروهای وابسته به وزارت اطلاعات رژیم بازداشت شده اند.

این پنج کارگر همراه صدها کارگر دیگر از شهرها و روستاهای کردستان در دماوند و شهرکهای اطراف مشغول کار بودند. این کارگران هفته گذشته بدون هیچ

از روحانی پرسید چرا سکینه محمدی آشنایی را آزاد نمی کنید؟ میخواهم فرزندانم را در آغوش بکشم، کمکم کنید!

صفحه ۵



نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰. ۳۱ شهریور ۱۳۵۹) آغاز جنگ خونین ایران و عراق است. جنگ ایران و عراق، طولانی ترین جنگ متعارف کلاسیک در قرن بیستم بود. بر اساس آمارهای بین المللی،

صفحه ۳

صفحه ۴	تابو/مجموعه مباحثی درباره مسائل و مشکلات زنان در کردستان/تابو چیست؟
صفحه ۵	لایحه مجلس اسلامی و قانون تجاوز جنسی به دختر بچه ها
صفحه ۶	دنیای پس از ۱۱ سپتامبر/بخش چهارم: پس از افغانستان/منصور حکمت
صفحه ۷	مختصری از تاریخ یک دوره /بخش بیست ونهم

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

وعده های روحانی...

با اعتراض خانواده ها و محکومین به اعدام با تمام توان در دستور خود گذاشت. تماس و ارتباط لحظه به لحظه با زندانیان محکوم به اعدام، فشار کمیته بین المللی علیه اعدام با همکاری خانواده های آنان تا آنجا موثر واقع شد که فعلا برای مدت یکماه اجرای این احکام وحشیانه را بتعویق انداخته است. این جنس از فعالیت در تاریخ تلاشهای این کمیته بعنوان نقطه ای درخشان در مبارزه علیه اعدام ثبت خواهد شد. محکومین به اعدام در زندانهای مخوف اسلامی با امیدواری از نهدی کمک می طلبند که بارها محکومین به اعدام را در چند قدمی مرگ نجات داده است.

در تیتیر یکی از اطلاعاتی که کمیته بین المللی علیه اعدام در مورد اعدام ۲۱۸ انسان بعد از گذشت سه ماه از صدارت روحانی این جمله بچشم می خورد: "اینها ارقام و اعداد نیستند، زندگیهایی است که با سبعتیت کامل، پایان یافت!

عمیق شدن در این عبارت و ترجمه مادی و عینی آن می تواند تصاویری از جنس هولوکاست را برای خواننده تداعی کند. ترجمه و معنای این جمله یعنی خاتمه دادن

رسید، مو بر تن همگان راست می شد. اکنون و بعد از جنایات بیش از سه دهه از آدم کشی حکومت اسلامی و رواج فرهنگ و قوانین ضد بشری آن، این توحش بدانجا رسیده که حتی به بازی کودکان راه پیدا کرده و تا کنون بر اثر آن ناخواسته جان کودکان معصومی را گرفته است.

معیارنهادهای به اصطلاح حقوق بشری اعتراضشان به این قانون جنگلی فقط بر اساس ایجاد تعادل در قوانین و قواعد بازیهای سیاسی مابین حکومت بغایت وحشی و درنده اسلامی با دیگر دولتهاست. به هر اندازه کش و قوس کشتار با نرمش قهرمانانه همراه باشد، نهادهای به اصطلاح مدافع حقوق بشری کر و لال تر از این خواهند شد که تا کنون بوده اند. شیرین عبادی به اعتبار مدالی که بر سینه آویزان کرده است هر از گاهی نه بخاطر همه زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم اسلامی بلکه تنها بخاطر طرفداران دوران طلایی خمینی که در خانه های لوکس خود در حصر بسر می برند لب به سخن می گشاید. خفقان گرفتن ایشان در مقابل موج اعدامها، در مقابل کارگران زندانی، در مقابل فعالین سیاسی دربند و در مقابل محکومین به اعدام برای جنبش علیه اعدام کاملا قابل درک است. کسیکه مدال سیاسی گفتگوی تمدنها را برای تداوم عمر حکومت بر سینه زده باشد، کسیکه با

سرمخوردگی موسوی بلافاصله رسانه هایی همچون بی بی سی خواب راحت را بر هم می زند باید خفقان هم بگیرد. جنبش علیه اعدام نیازمند قوی شدن است که بتواند همپای نیرویی قاطع، پیگیر و مدافع حقوق انسانی همچون کمیته بین المللی علیه اعدام این بربریت اسلامی را کاملا افسار بندد.

تلاش برای دفاع از جان محکومین به اعدام، تلاشی برای بازگرداندن آرزوها، عواطف و علائق و محبتها، تلاشی برای زندگی و زنده ماندن است. این جنس از فعالیت در دفاع از حق حیات انسانها شاخصی بسیار مهم در ارزیابی از هر نهاد، سازمان، حزب و شخصیتی است که ادعای دفاع از برابری، آزادی، حرمت و کرامت انسانی دارد.

۱ اکتبر ۲۰۱۳

از صفحه ۱

ماشین کشتار حکومت...

المللی علیه اعدام نبود دهها نفر دیگر نیز در همین روزها با طناب دار، بر جرثقیل ها و در مراکز شهرها آویزان شده بودند. اما نه دولت های غربی و رسانه های نان به نرخ روز خور از این خشونت ها چیزی گفتند و نه ملی اسلامی های وطنی دهانشان را باز کردند. حتی ارگانهای حقوق بشر نیم بندشان مثل امنستی قرار است تا اطلاع ثانوی در مورد جمهوری اسلامی سکوت کنند یا با لحن مودبانه تری حرف بزنند! گوئی همه مصیبت ها و بدبختی های مردم با کلمه پرمطراق "اعتدال" و "مژده" رابطه با دولت آمریکا حل و فصل شده و همه رذالت ها و جنایتهای جمهوری اسلامی به پایان رسیده است!

اما فارغ از این ریاکاری ها و تا جایی که به رابطه جمهوری اسلامی و مردم ایران مربوط میشود، از "تعامل و اعتدال" خبری نیست. نصیب مردم کماکان سرکوب و خشونت است. زندان ها پر است، اوپاش انتظامی همچنان در خیابانها و میدانهای شهرها در کمین زنانند، اعدام ها افزایش یافته است، فقر بیداد میکند و ناامنی همه جانبه بر زندگی اکثریت عظیم مردم از کودکان و محصلان تا کارگران و زنان و جوانان و دانشجویان و سالمندان حاکم است. از نظر مردم ایران، مساله اصلی بود و نبود خود این حکومت است. مردم نه حکومت اسلامی میخواهند نه انرژی هسته ای اش را، نه جناح معتدل و غیر معتدلش را. اولین گام برای هر نوع بهبودی در زندگی مردم و خلاصی از اعدام و خشونت و سرکوب و ناامنی و فقر و بدبختی، پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی و همه جناح های آن است. در شرایطی که سیاست های "زهبر" شکست خورده و ضعف و زبونی و بن بست های حکومت بیش از هر زمان آشکار شده است، باید با تمام قوا برای به کرسی نشاندن خواست های خود به میدان بیاییم و کل این

معدلات و گفتمان ها را عوض کنیم. جمهوری اسلامی در شرایطی نیست که بتواند جلو پیشروی این نیروی عظیم را سد کند. نمایش بیرون آوردن تانک ها و خرد کردن دیش های ماهواره در شیراز بیشتر از اینکه نشان قدرت حکومت باشد و باعث ارباب مردم شود، نشانه وحشت حکومت از دسترسی دهها میلیونی مردم به تلویزیونهای اپوزیسیون است. اعدام ها مقاومت ها را دارد برمی انگیزد، دانشجویان سر بلند میکنند، زنان علیرغم حضور لشگر نیروهای سرکوب در خیابانها، غیر اسلامی تر ظاهر میشوند و طبقه کارگر بعنوان ستون اصلی مبارزه و انقلاب راهی جز این ندارد که متشکل تر و قدرتمندتر به میدان آید. سران حکومت خود بخوبی واقفند که نه حریف زنان میشوند، نه میتوانند جلو اعتراضات کارگران را بگیرند، نه میتوانند این جامعه پرتلاطم را آرام کنند و به عقب برانند و نه حتی بر دیش ها غلبه کنند!

حزب کمونیست کارگری طبقه کارگر، جوانان و دانشجویان، زنان و کل مردم آزادیخواه را به گسترش مبارزه در همه عرصه ها و تنگ تر کردن فضا بر جمهوری اسلامی و سرکوبگرانش فرامیخواند. علیه اعدام ها باید بپاخواست، از مقاومت زنان در مقابل سرکوبگران باید فعالانه حمایت کرد، پرچم مطالبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را باید هرچه بیشتر بلند کرد و به مقابله همه جانبه با حکومت برخاست. جمهوری اسلامی رفتنی است و باید برود و همراه با سرنگونی آن، خیمه شب بازی شیدان ملی اسلامی مرتجع و رسانه های نوکر نیز موضوعیت خود را از دست خواهد داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مهرماه ۱۳۹۲، ۳۰
سپتامبر ۲۰۱۳



شبکه تلویزیون نگاه شما

ساعاتی از برنامه خود را به فروش میرساند
علاقتمندان میتوانند با ایمیل و شماره تلفن زیر تماس بگیرند:
ایمیل: negah.shoma@gmail.com
تلفن: ۰۰۱۵۰۵۲۰۶۵۰۰۱
مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:
هاتبرد
فرکانس: ۱۱۲۰۰
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
FEC: ۵/۶
نگاه شما در GLViZ نیز قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:
<http://www.glwiz.com/>
Negah E Shoma

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون ساعتی کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.
مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:
فرکانس: ۱۱۲۰۰
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
FEC: ۵/۶
تلویزیون کانال جدید در GLViZ نیز قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:
<http://www.glwiz.com/>
زیر مجموعه برنامه های فارسی
این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.
تلفن تماس: ۰۰۱۲۱۰۸۵۶۹۸۹۷
ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

از صفحه ۱

نگاه هفته...

برای ایران ۶۴۴ و برای عراق ۴۵۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بر همین اساس در طول این جنگ ۱۰۰۰۰۰۰ انسان کشته و زخمی شدند که از این میان ۲۶۲۰۰۰ ایرانی و ۱۰۵۰۰۰ عراقی کشته شده‌اند. در ارتباط با مصائب این جنگ، آوارگی میلیونی و تلفات انسانی آن چندین کتاب نوشته شده. ده‌ها فیلم مستند تهیه شده و جنایات و نسل‌کشی دو دولت صدام و جمهوری جنایتکار اسلامی را در تاریخ به ثبت رسانده‌اند. بمباران شیمیایی حلبچه در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ توسط حکومت بعث عراق صورت گرفت. این حمله نزدیک به ۳۲۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر را کشت و نزدیک ۷ هزار تا ۱۰ هزار نفر را زخمی کرد که اکثراً از غیرنظامیان بودند؛ صدها تن دیگر بر اثر عواقب، بیماری‌ها و نقص جسم در هنگام تولد در سال‌ها پس از حمله کشته شدند. حادثه‌ای که به صورت رسمی به عنوان نسل‌کشی مردم کرد عراق شناخته شد و هنوز به عنوان بزرگترین حمله شیمیایی مستقیم به یک منطقه شهرنشین در تاریخ باقی مانده است. بمباران شیمیایی سردشت بمبارانی بود که نیروی هوایی عراق از ۷ تیر با استفاده از بمب‌های شیمیایی در چهار نقطه پر از دحام شهر سردشت (از توابع استان آذربایجان غربی) انجام شد. در این حمله ۱۱۰ نفر از ساکنان غیرنظامی شهر کشته و ۸۰۰۰ تن دیگر نیز در معرض گازهای سمی قرار گرفتند و مسموم شدند. در جریان بمباران شیمیایی حلبچه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له ده‌ها تن از کمونیستهای انقلابی را با حمله نیروهای مزدور سپاه پاسداران از دست داد. اخیراً در فیس بوک این نوشته کوتاه را دیدم. «به یاد علی‌رضا کودک کار و قربانی مین در آغاز سال تحصیلی این عکسو که دیدم خیلی متاثر شدم به یاد یکی از دوستان پسر شاهی افتادم که سال سوم راهنمایی هم‌کلاش بود اسمش علی‌رضا بود کودکی که ضایعات و اجناس اقاطی را جمع میکرد و به اندک بهایی می‌فروخت اون سال کلی ضایعات در لب مرز

باخته‌اند و چندین نفر دیگر نیز دچار نقص عضو و مشکلات جبران‌ناپذیر جسمی و روانی شده‌اند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن عرض تسلیت به خانواده کارگر جان‌باخته "جمشید محمدیان" و ابراز همدردی با آنان، علت اصلی این حوادث را عدم توجه کارفرمایان به رعایت استانداردهای ایمنی در محیط کار و همچنین اهمیت ندادن به حفظ سلامت جسمی و روانی کارگران می‌داند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری - یک مهرماه ۱۳۹۲ ***

دستگاه حفاری در جوانرود جان کارگر جوانی را گرفت

۲ مهر: یک کارگر جوان در شهر جوانرود به دلیل عدم ایمنی در محل کار جان باخت. "عثمان رضمانی" که در شرکت روستای "قالیچه" شهرستان جوانرود از توابع استان کرمانشاه مشغول به کار بوده است به علت نبود حفاظ بر روی نوار نقاله و تسمه دستگاه حفاری، به داخل تونل سقوط و جان خود را از دست داده است. همچنین در مراسم ختم این کارگر یکی از نزدیکان خانواده رضمانی به نام ماکون سلیمانی فرزند شاه مرادی در یک حادثه رانندگی جان سپرد. ***

حادثه در محل کار

روز ۲۰ شهریور کارگری به نام انور گویلی شاغل در دانشگاه آزاد واقع در جاده سنندج - کامیاران در حین کار با دستگاه چمن زنی متأسفانه یک انگشت خود را از دست داد و به خیل کارگری پیوست که سالانه در محیط‌های کار بر اثر نبود ایمنی یا جانسان را از دست داده و یا دچار نقص عضو می‌شوند و قربانی سودپرستی سرمایه‌داران می‌گردند. این کارگر ۳۶ سال سن دارد و دارای یک فرزند می‌باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری - یک مهر ۱۳۹۲ ***

حادثه‌ای دیگر و بازم جان‌باختن انسانی دیگر

عصر روز شنبه مورخ ۳۰/۶/۹۲ یک کارگر جوشکار به نام "جمشید محمدیان" اهل روستای "تخته" از توابع "ژاورود" سنندج هنگام کار از طبقه ششم ساختمان محل کارش واقع در ویلاشهر سنندج به پایین پرت شد و متأسفانه در دم جان سپرد. "جمشید محمدیان" ۲۹ ساله و متأهل و دارای دو فرزند بود که به علت ناامنی محیط کار و سودخواهی کارفرمایش جان خود را از دست داد. لازم به ذکر است که طی چند سال اخیر تعداد ۹ نفر کارگر جوشکار فقط در همین روستا در اثر عدم رعایت استانداردهای ایمنی توسط کارفرمایان در محیط کارشان دچار سانحه شده و جان

کارگر ۳۳ ساله اداره برق سنندج دچار حادثه شد

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران آقای مجتبی امیری کارگر ۳۳

از صفحه ۱ پس از گذشت نزدیک به دو سال...

اتحادیه آزاد کارگران ایران را مورد محاکمه قرار داد. در این دادگاه که از ۱۰ صبح دیروز و با شرکت وکیل این کارگران آقای محمد قوامی برگزار شد ابتدا قاضی دادگاه بحث استعفا شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را از اتحادیه آزاد کارگران ایران به میان کشید اما پس از دفاعیات این کارگران و آقای محمد قوامی و بحث حول فعالیت‌های اتحادیه، قاضی دادگاه از شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا دعوت کرد تا برای ثبت قانونی اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش نمایند. قرار است ظرف روزهای آینده حکم دادگاه شعبه اول تجدید نظر استان کردستان در مورد مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه به آنان ابلاغ شود.

مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه به ترتیب در روزهای ۱۵ و ۱۸ دی ماه ۱۳۹۰ از سوی مامورین امنیتی با اتهامات واهی بازداشت و روز ۲۹ دی ماه همانسال با قرار وثیقه ۸۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند و بدنبال آن تا ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۲ بارها مورد محاکمه قرار گرفتند. در این محاکمات قاضی دادگاه شرط صدور حکم براءت برای این کارگران را استعفا از

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۸ مهر ماه ۱۳۹۲

بخش‌های مختلف مسکن مهر از جمله پروژه‌های ۳۷۰۰ واحدی مهر کیان (جاقل) در شهر سقز مشغول به کار بودند، بعد از توقف فعالیت پیمانکاران، شغل خود را از دست داده و اکنون در انتظار یافتن مشاغل ساختمانی در میادین شهر سقز سرگردان شده‌اند.

به گزارش آژانس خبری موکریان "یک فعال مدنی به نام "سوران دانشور" به شعبه اول دادگاه رژیم در میوان احضار شد. آنگونه که در برگه احضاریه دانشور ذکر گردیده بود، نامبرده می‌بایست روز دوشنبه ۸ مهرماه در دادگاه حاضر می‌شد. دستگاه قضایی رژیم سوران دانشور را به "اقدام علیه امنیت ملی و همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام" متهم ساخته است.

بیکاری ۲۰۰ کارگر ساختمانی در سقز با توقف مسکن مهر

مهر: بیکاری بیش از ۲۰۰ کارگر ساختمانی پس از توقف فعالیت پیمانکاران مجری پروژه‌های مسکن مهر در شهر سقز. بیش از ۲۰۰ کارگر ساختمانی که در



مسائل دیگر نداشته باشد از جنبه فرهنگی نیز انسان همانطور که به مواد خوراکی متنوع احتیاج دارد به همان اندازه به آرامش روحی نیاز دارد و یک بخش این مساله این است که شرایط و امکاناتی فراهم شود که انسان بتواند افکار و عقاید کهنه را دور بریزد و افکار جدید و درست را جایگزین کند اهمیت این جایگزینی هم آن است که متاسفانه افکاری که امروز در ایران حاکم است افکار پوسیده ۱۴۰۰ ساله اسلام است که به هیچ عنوان با مسائل امروز جامعه همخوانی ندارد و نمی تواند پاسخگوی آنها باشد و ما باید با بحث و گفتگو و نشان دادن راه کار و دادن اطلاعات تابوها را بشکنیم.

شیما فهیمی: سوال دیگر این است که چرا بعضی از مسائل به تابو (ممنوع) تبدیل شده و خصوصا زنان نمی توانند راجع به آنها صحبت کنند؟

فرشته مرادی: همانطور که اشاره کردم این مسائل تابو (ممنوع) شده اند به دلیل اینکه نمی شود در موردش صحبت کرد زمانیکه شرایط اجتماعی طوریست که اجازه نمیدهد یک زن آنطوری که خود می خواهد باشد، زمانیکه یک زن شناخت دقیقی در مورد خود ندارد و باید ها و بنیادهای بسیاری در راه این خودشناسی وجود دارد اینهاست که تابوها را به وجود می آورد من یادم هست در ایران باید نوار بهداشتی را در دو کیسه ضخیم و مشکمی می گذاشتیم در صورتیکه به مساله عادی و طبیعی بود و این هم دلیلش این نیست که مردها اجازه نمی دهند خیلی از مردها اتفاقا در این زمینه ها باز برخورد میکنند و میخواهند در موردش صحبت کنند ولی جو حاکم بر جامعه اجازه این را نمیدهد که آنطوری که باید بحث و صحبت کنند در خیلی از مواقع خود زن هست که نمی تواند در مورد مسائل خودش صحبت کند.

شیما فهیمی: به نظر شما تابوها در جامعه به سود چه کسانی است؟

فرشته مرادی: می توان گفت در درجه اول به نفع سیستم جمهوری اسلامی است چون دامن زدن به این

تابو مجموعه مباحثی درباره مسائل و مشکلات زنان در کردستان بخش اول: تابو چیست؟

مشکل میشوند البته لازم هست اینجا این را هم بگویم که این مساله جنبه فراگیر ندارد اما متاسفانه درصد بالایی از زنان در ایران این مشکل را داشته و دارند که چگونه باید بدن خود را بشناسند و با مساله سکس چه برخوردی داشته باشند در نتیجه زمانیکه مساله بکارت برداشته میشود متوجه میشود که آنگونه که باید نمی تواند با همسر خود ارتباط داشته باشد اما چون این مساله تابو است و نمی تواند راجع به آن حتی با مادر و خواهر خود صحبت کند در نهایت تبدیل به یک مشکل و معضل فکری میشود و فکر می کند که مشکل اصلی از خودش است، احساس گناه می کند و این حالت های روحی بعد از مدتی تبدیل به سرردهای شدید میشود و با وجود اینکه به دکتر هم مراجعه می کند و دارو هم مصرف می کند درمان نمی شود از لحاظ روحی در وضعیت خوبی نیست، این حالتها اگر به مدت ۳ ماه ادامه داشته باشد و برطرف نشود میتواند باعث به وجود آمدن مشکلات روحی شدیدتر مانند افسردگی و یا حالت های تهاجمی و عصبی در شخص به وجود بیاید و خیلی از مواقع هم شخص خود متوجه نباشد که چرا این حالتها را دارد و در مراحل پیشرفته تر ممکن است شخص دچار افسردگی نیز بگردد که متاسفانه آمارها در این زمینه کم نیستند.

ما تصمیم داریم در این رشته بحث ها بیشتر راجع مسائل ممنوعه صحبت کنیم و به خاطر همین اسم «تابو» را برای آن انتخاب کردیم. اگر بخواهیم از جنبه های دیگری به تابوها در جامعه نگاه بیندازیم می بینیم که فاکتورهای مختللفی مانند اقتصاد، مذهب، سیاست و فرهنگ بر این مساله تاثیر دارند یعنی تابوهایی که در یک جامعه اروپایی و غربی وجود دارد بسیار متفاوت تر از تابوهایی است که به طور مثال در کشوری مانند ایران وجود دارد در کشوری که مرد و زن مجبور است برای گرداندن چرخ زندگی دو شیفته کار کند، طبیعی است که وقتی برای مطالعه و

شیما فهیمی: به عنوان اولین سوال می خواستم بپرسم تابو چیست و ما چرا این اسم را انتخاب کردیم؟

فرشته مرادی: تابو یا پرهیزه آن دسته از رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی است که برطبق رسم و آیین یا مذهب، ممنوع و نکوهش پذیر است. برای نمونه نام بردن از اندام های تناسلی در محافل رسمی در بسیاری از اقوام جهان یک تابو است.

از نظر تاریخی واژه تابو از زبان **تونگا** که یکی از زبان های پلی نزی است وام گرفته شده است. به عقیده اهالی جزایر پولینیزی، برخی از اشخاص یا اشیاء (مثل کشیشان، جادوگران، اجساد مردگان، زنان زانو، زنان در دوره قاعدگی، رؤسای قبایل و...) دارای قوه ای مقدس و مافوق طبیعی هستند به طوری که نزدیکی با آنها ممکن است خطرهای بزرگی مانند جنون، بیماری یا مرگ به وجود آورد.

زیگموند فروید: معتقد است که تابوها کهن ترین مجموعه قوانین بشری اند و اقدامات منع شده در تابوها و قوانین اقداماتی هستند که بسیاری از انسانها تمایل طبیعی به انجام دادن آنها دارند.

اگر بخواهیم به این سوال پاسخ بدهیم که چرا واژه تابو را انتخاب کردیم دلیلش این است که تابوها در مورد زنان خیلی زیاد هستند من می خواهم یک مثال برای شما بیاورم دختری که ۸ یا ۹ سال دارد پدر و مادر مرتب به او گوشزد میکنند که تو به خاطر مساله بکارت باید خیلی مواظب خودت باشی در نتیجه دختر نباید زیاد فعالیتهای بدنی داشته باشد نباید دوچرخه سواری کند... این محدودیت ها و مراقبتها تا زمانیکه دختر ازدواج می کند وجود دارد و شب زفاف هم به دلیل اینکه هیچگونه اطلاعات و آگاهی در این رابطه به دختر داده نشده نمی داند که چگونه باید با این مساله برخورد کند و از آن طرف پسر هم در مقابل آگاهیهای لازم را دریافت نکرده که چگونه با زن مانند یک انسان برابر برخورد کند و دچار

تابوها در جامعه به ماندگاری این حکومت کمک می کند اگر افراد جامعه به دنبال تغییر افکار و عقاید و فرهنگ کهنه باشند و بطور کلی به دنبال آزادیهای فردی و اجتماعی خود باشند و آنرا مطالبه کنند بدون شک مردم دیگر جمهوری اسلامی را تحمل نمیکنند شاهد این مطلب هم این است که اکثریت افرادی که از ایران به اروپا می آیند و من ۱۵ سال است که کارم طوری است که با این افراد در ارتباط هستم میبینم که تقریبا همه آنها بدون حجاب هستند این نمونه کوچکی است و این نشان دهنده آن است که مردم در جامعه ایران تحت فشار حکومت هستند و به محض اینکه به آزادی می رسند تمام قیود و بندها را برمی دارند این مثال کوچک را شما میتوانید گسترش دهید به خیلی از مسائل و معضلاتی که در آن جامعه وجود دارد یک مساله دیگری که می خواستم اینجا بیان کنم این است که ما به هیچ عنوان فمینیستی به مساله زن نگاه نمی کنیم که همه تقصیرات را به گردن مردها بگذاریم در واقع این جامعه و سنتها و فرهنگهای غلط و کهنه است که مردان را اینگونه بار آورده و شخصیت آنها را شکل داده که خیلی از مواقع حکم کنند در جاهایی به خاطر حفظ شخصیت خود در مقابل مادر یا خواهر خود سعی میکنند که به همسر خود بی توجهی کنند و خود این مساله باعث میشود که فشار روحی روانی به خود مرد هم آسیب برساند اما چون از کودکی به مردان گفته شده که مرد هستی مرد که نباید ناراحتی رو نشون بده در نتیجه تمام این فشارهای روحی را در خودشان میریزند و بروز نمی دهند و سبب حالت های عصبی و تهاجمی در مردان میشود.

شیما فهیمی: چه ابزار و راه حل هایی هست که این تابوها برداشته شود؟

فرشته مرادی: یکی از مهمترین راه حلها باز بودن افراد از لحاظ فکری است هر کسی باید از خودش و خانواده اش شروع کند و تابوها را که به نظرش می رسد بردارد یکی از خصلتهای بارز انسان این است که همیشه به دنبال چیزی می رود که ممنوع شده در نظر بگیرد یک میزی هست که پارچه ضخیم بر روی آن کشیده شده همه میخواهند بدانند که در زیر این میز و پارچه چه چیزی پنهان شده منظورم این است که انسان به طور کلی حس کنجکاوی دارد و بخصوص این حس برای پدیده های ممنوع شدت بیشتری پیدا می کند البته خود این حس کنجکاوی میتواند در دو جنبه مثبت و منفی به کار رود که متاسفانه بعضی اوقات در جوانان جنبه منفی آن بروز می کند زمانیکه خانواده به آنها تذکر میدهد و آنها را از خیلی از مسائل منع می کند به محض اینکه از چارچوب خانواده بیرون می آیند به شکل افراطی رفتار میکنند و به شخصیت اجتماعی و روح و روان خود آسیب میرسانند در ایران و جامعه ای مانند کردستان به دلیل ممنوعیت ها و محدودیت های زیادی که وجود دارد ممکن است جوانان به دلیل کمبود آگاهی به جنبه منفی این مساله بیفتند و به صورت زننده و افراطی بخواهند تابو شکنی کنند اما اگر برعکس این تابو شکنی و برداشتن سنتها و فرهنگهای کهنه بر پایه آگاهی و اطلاعات کافی باشد می توان نتایج مثبتی از آن گرفت.

یکی از بهترین روشها در این قضیه این است که ما در مقابل هر کدام از تابوها و مسائل ممنوعی که به ذهنمان می رسد یک «چرا» بگذاریم بطور مثال چرا من نمیتوانم درباره خودم در جمع صحبت کنم؟ چرا نمیتوانم درباره عشق صحبت کنم؟ و بعد از آن باید

از صفحه ۴

تابو چیست؟

رفت و تحقیق کرد مطالعه کرد درباره آن با دیگران صحبت کرد و در نهایت شخص بتواند درک درستی مثلا از موضوع عشق به دست آورد اما نقطه مقابل آن هم وجود دارد اگر نخواهیم در مورد آن تحقیق و مطالعه کنیم ممکن است به دلیل کمبود آگاهی جنبه منفی آنرا انجام دهیم و مثلا شخص چون درک درستی از مساله دوست داشتن ندارد فکر می کند آزادی و تابو شکستن یعنی اینکه در عین حال با افراد زیادی در ارتباط باشد که متاسفانه در این حالت شخص به خودش ضربه میزند نتیجه اینکه اولین قدم و مهمترین قدم کسب آگاهی و اطلاعات است.

شما فهمی؟ و آخرین سوال اینکه موضوع بعدی که در موردش صحبت می کنیم چیست؟

فرشته مرادی: قبل از اینکه به سوال شما جواب بدهم می خواستم یک مطلبی را عنوان کنم و آن هم این است که ما به عنوان انسان زندگی را چگونه میبینیم؟ ما فقط یک بار به دنیا می آئیم و این یک بار را باید به بهترین حالت ممکن زندگی کرد، و از آن لذت برد البته من میدانم که مردم در ایران مشکلات زیادی دارند و در عین حال باید این را هم گفت که درست است که ما در اروپا زندگی میکنیم ولی ما هم مشکلات داریم ولی مردم در ایران به خاطر نبود آزادی های

اجتماعی فردی و اقتصادی فشار بیشتری را متحمل می شوند اما در عین حال همه این مشکلات باعث شده که مردم قویتر و مصمم تر باشند پس نتیجه اینکه برای راحت زندگی کردن و لذت بردن از زندگی هر چیزی که به نظر می آید درست نیست و شما را اذیت می کند از زندگی حذف کنید با آگاهی کامل و اگر بتوانیم به وسیله آگاهی و اطلاعات این شرایط را فراهم کنیم میتوانیم زندگی همراه با آرامش و لذتبخش داشته باشیم.

برگردم به سوال شما موضوع بعدی که در مورد آن صحبت خواهیم کرد «**خودشناسی زن**» است و صحبت میکنیم که زن چرا باید خود را بشناسد و چگونه می تواند خود را بشناسد.

لایحه مجلس اسلامی و قانون تجاوز جنسی به دختر بچه ها

عبدل کلبریان



خواهند تجاوز اسلامی به جسم و روان دختر بچه های فاقد خانواده را قانونی کنند.

این لایحه و مصوبات نه تنها ربطی به حمایت از دختر بچه ها و کودکان بی سرپرست ندارد بلکه طرحی است همچون صدها لایحه و مصوبه مجلس و شورای نگهبان و دیگر قوانین اسلامی که امنیت، سلامت و آینده کودکان را با خطر جدی روبرو می سازد. جنون جنسی آزردها و آیت الله های حاکم بر ایران آنان را وادار کرده است که برای فراهم کردن اینچنین لایحه ای که کودکان بی سرپرست را رسماً در چنگال جنایتکارانی که پیشه ای جز ارضای جنون آمیز تمایلات جنسی خود ندارند قرار دهد. با مشروط و بدون مشروط، این قوانین و این لوایح یعنی رسمیت دادن و تجاوز آشکار به دختر بچه ها از سوی مشتکی انگل مفتخور، یعنی تجاوز به کودک، یعنی خشونت جنسی و قانونی علیه دختر بچه های بی سرپرست، یعنی تباہ کردن زندگی نسلی که تنها بخاطر وجود همین سیستم و دم و دستگاه اسلامی از داشتن پدر و مادر محروم شده اند.

سرچشمه این خشونت، حکومت و مناسباتی است که با استفاده از

از صفحه ۱

از روحانی پیرسید چرا سکینه...

آزاد نمیکند؟ بگویید اگر روحانی واقعا از اعتدال و دوستی حرف میزند، با آزاد کردن افرادی مثل من اثبات کند که طرفدار اعتدال است. سرنوشت من، زندگی من و فرزندانم درد و رنج هایی که ما متحمل شدیم، نمونه ای است از اینکه چگونه زندگی ما از هم پاشید. من از همه رسانه ها که همواره از من دفاع کردند، میخواهم این سوالات را در هر جایی که آقای روحانی را می بینند از او بکنند، چرا سکینه را آزاد نمی کنید؟

کمیته بین المللی علیه سنگسار از همه رسانه های بین المللی دعوت میکند این حرفهای سکینه را به گوش جهانیان رسانده و همچنین از روحانی در این مورد سوال کنند.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
۲۵ سپتامبر ۲۰۱۳

سه سال است که در حسرت آزادی و نفس کشیدن میسوزم و میسازم. به من گفتند که اگر در یک فیلم برای "پرس تی وی" همراهی کنم آزاد میگردم. پرس تی وی فیلمش را گرفت و رفت و از آزادی من خبری نشد.

میگویند پرونده در تهران است و آنجا باید تصمیم گیری شود من میخواهم از رئیس جمهور روحانی پیرسید که ایشان که ساکن تهران هستند، آیا خبری از پرونده من دارند؟ آیا ایشان نمیخواهند مرا آزاد کنند تا چند صبحی در کنار فرزندانم باشم و آزادی را در آغوش بگیرم.

من سالهای سال درد و رنج و وحشت و ترس و اعدام و سنگسار را در همه لحظات زندگیم تجربه کردم. دیگر نمیتوانم، واقعا توان و تحمل این همه سختی و وحشت را ندارم. آیا فریاد رسی هست؟ از روحانی در نیویورک اینها را پیرسید، بگویید چرا سکینه را

لوایح باید تعقیب و مجازات شوند. در مقابل این خشونت جنون آمیز مجلسیان و آیت الله های شورای نگهبان حکومت اسلامی باید قاطعانه ایستاد و نباید اجازه داد که دختر بچه های بی پناه و محروم از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق با دهشتناکترین عواقب، روحی و روانی مواجه شوند. همه انسانهای شرافتمند در قبال این چنین طرحهای کثیفی که از سوی مشتکی اوباش و از گور برخاسته اعمال و تبدیل به قانون می شود مسئول هستند. مردم آزاده،

۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳

FITNAH
فتنه

منا احدی
کوان جاوید
مریم نمازی

۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹
۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۲۳۱

آدرس پستی
Maryam Namazie
PM BOX 1616, London WC1N1XX, UK
Email: fitnah_movement@gmail.com
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
Website: www.fitnah.org
Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

دنیا پس از ۱۱ سپتامبر بخش چهارم: پس از افغانستان



افغانستان: جنگ یا تروریسم هوایی؟

هزار متری و از کشتی ها و زیردریایی ها در پس امواج اقیانوسهای دور، دهها هزار تن بمب و موشک بر شهرهای مردم میریزند. با افتخار اعلام میکنند که کشور مقابل را "با بمب به عصر حجر برمیگردانیم"، با اینحال مصرند که بمبهای "تیزهوش" آمریکایی فقط به گناهکاران اصابت میکنند. هدف ارعاب است. ارعاب کل جامعه. حاکم کردن ترس، ترس از مرگ، از آوارگی، از انهدام هر نشانی از مدنیت، تا جایی که جامعه فلج شود. مقاومت غیر ممکن شود. ارتش زمینی آمریکا، اکنون فقط یک سگ شکاری است که باید پس از ختم تیراندازی ها و فروکش کردن گرد و خاک ها و همههمه ها برود و شکار بیجان را بیاورد.

اعلام جنگ هیچکس، حتی آمریکا و غرب، به طالبان را نمیتوان محکوم کرد. طالبان باید برود و نهایتا باید با قهر و با عمل نظامی برود. دشمنی غرب با طالبان به دوستی تاکنونی شان ترجیح دارد. کسی جلوی برچیده شدن بساط آدمکشهایی که خود غرب سر کار آورده است را نمیگیرد. اما میان جنگ و ترور تفاوت هست. اعمال آمریکا و انگلستان در افغانستان تروریستی است. بمباران شهرها و مناطق مسکونی افغانستان باید محکوم و متوقف بشود. اساطیر بی سر و ته پیرامون توان نظامی طالبان و تاریخ به زانو در آمدن ابرقدرتها در افغانستان به تداوم این شیوه تروریستی خدمت میکنند. مجاهدین افغان در جنگ با شوروی

نیروی جلوی صحنه آمریکا و غرب بودند. طالبان يك باند گانگستری جنایت و تولید و توزیع مواد مخدر است که خود غرب به کمک پاکستان و عربستان ساخته است. میتوانند کلیدش را خاموش کنند و چند هفته ای برچندش. اما تروریسم هوایی امن تر است، چشمگیر تر است، برای مردم ناخوشنود جهان عبرت آموز تر است، ابرقدرتانه تر است. جلوی این شیوه ضد انسانی باید ایستاد.

از طالبان تا اسلام سیاسی

عملیات آمریکا و انگلستان در افغانستان، حتی اگر به سقوط طالبان و مرگ بن لادن منجر شود، نه فقط تهدید تروریسم اسلامی علیه غرب را کاهش نمیدهد، بلکه بر ابعاد این تروریسم می افزاید. این را سران دول غربی میدانند و رسماً در مورد آن به اهالی غرب هشدار میدهند. اما انتخاب افغانستان بعنوان اولین صحنه و میدان "تلافی" آمریکا در برابر جنایت ۱۱ سپتامبر، برای آنها دو خاصیت اساسی دارد:

اولاً، حتی اگر بپذیرند که تروریسم اسلامی و نفرت ضد غربی ای که این تروریسم از آن تغذیه میکند، يك واقعیت سیاسی است و راه حل سیاسی دارد، صرف يك عکس العمل سیاسی به يك حمله فیزیکی و نظامی عظیم در داخل خاک آمریکا را کافی و مناسب نمیدانند. میلیتاریسم يك رکن ایدئولوژی رسمی در آمریکا و سنگ بنای تعریف هویت آن بعنوان يك ابر قدرت است. حمله به آمریکا از این دیدگاه فقط میتواند با حمله به کس دیگر و جای دیگری پاسخ بگیرد. برای آمریکا تلافی ۱۱ سپتامبر، مستقل از ماهیت و زمینه ها و خصنهای اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی، فقط میتواند اقدامی نظامی باشد. این اقدام نظامی باید بزرگ باشد، باید "خشم و قدرت آمریکا"، خشونت آمریکا، را نمایندگی کند. اما اقدام نظامی بزرگ نیازمند صحنه است. جنگ به میدان جنگ احتیاج دارد. انتخاب افغانستان بخاطر حضور بن لادن نیست، بر عکس انتخاب بن لادن بخاطر حضورش در افغانستان است.

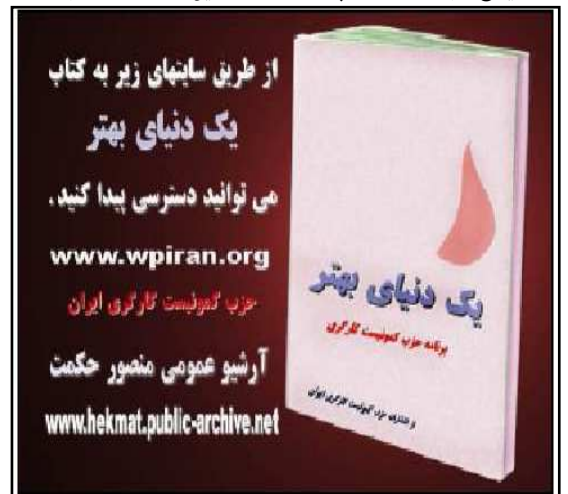
کم نیستند از امثال بن لادن، از سران تروریسم اسلامی که علنی و مخفی در ایران، انگلستان، فرانسه، مصر، پاکستان، لبنان و فلسطین، چچنی و بوسنی زندگی میکنند. این تصویر که تروریسم اسلامی يك شبکه هرمی با سلسله مراتب تعریف شده است که بن لادن در رأس آن قرار دارد، مسخره است. بعید است خامنه ای در این سلسله مراتب تحت ریاست بن لادن بوده باشد. کلید، افغانستان است. سرزمینی که میتواند صحنه يك عملیات بزرگ نظامی باشد. افغانستان تنها میدان ممکن برای "انتقام آمریکا" در ابعاد نظامی وسیع و مهیبی است که هیات حاکمه این کشور وعده میدهد. بیرون افغانستان چنین هدف نظامی قابل تعریف و قابل تعرضی وجود ندارد. و تازه اینجا هم سران غرب از نبود ساختمانهای به اندازه کافی مرتفع و پلهای به اندازه کافی بزرگ برای نابود کردن شکوه میکنند.

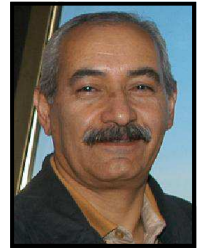
ثانیاً، همانطور که در بخش قبل گفتم، آنچه در پس کشمکش با طالبان و بن لادن در افغانستان قرار است تعیین تکلیف شود، رابطه و تناسب قوای آمریکا و غرب با اسلام سیاسی است. "جنگ طولانی علیه تروریسم" اسم رمز يك زورآزمایی با اسلام سیاسی است. يك جنگ قدرت که از نظر آمریکا باید برای تعریف مشخصات پابرجاتر يك نظم نوین جهانی پس از سقوط شوروی دیر یا زود انجام بشود. اسلام سیاسی، يك محصول فرعی جنگ سرد، پس از سقوط شوروی بعنوان يك کمپ بورژوازی مدعی قدرت در کشورهای خاورمیانه و در محیطهای "اسلامی" در خود جوامع غربی قد علم کرده است. این جریان در بخشی از جهان و در کشورهای فوق العاده مهمی نظیر ایران و پاکستان، یا رسماً در قدرت است و یا اهرم های سیاسی زیادی دارد. يك گوشه جدال بر سر آینده فلسطین و اسرائیل است. در جمهوری های پیشین شوروی، در يك قدمی زردخانه های اتمی، موش میدواند. در خود غرب، به لطف پول عربستان و سوسپید دولتی و ایدئولوژی منحط نسبیت فرهنگی، جوانان در محیطهای اسلام زده را کرور کرور عضو میگیرد. از نظر غرب این اسلام سیاسی دیگر جریان دست نشانده و

عروسی ای نیست که قرار بود در محاصره شوروی نقش داشته باشد، جلوی قدرت چپ در انقلاب ضد سلطنتی ایران را بگیرد و برای عرفات و ناسیونالیسم عرب مزاحمت درست کند. اکنون این زیر سایه غرب بیرون آمده است. و در ۱۱ سپتامبر، از نظر آمریکا، اسلام سیاسی يك گام زیادی برداشت. حمله تروریستی در این ابعاد در قلب آمریکا، کلید این زورآزمایی اجتناب ناپذیر را زد. این رویدادها در اساس دقیق و مراحلی از يك جنگ قدرت میان آمریکا و غرب با اسلام سیاسی است. از نظر آمریکا این نبردی است با دولتهای اسلامی، احزاب اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی. طالبان، ضعیف ترین و ضربه پذیرترین و پوک ترین نماد قدرت اسلام سیاسی در خاورمیانه و لاجرم از نظر آمریکا مناسب ترین نقطه ورود به این جنگ قدرت همه جانبه است. پیروزی آمریکا در افغانستان از نظر نظامی و عملی، دست به بنیادهای قدرت اسلام سیاسی نمیزند. این را میدانند. کانونهای اصلی قدرت در درجه اول در ایران، عربستان، و در سازمانهای اسلامی در مصر و لبنان و فلسطین است. اما این جنگ قدرت است، جنگ مرگ و زندگی نیست. افغانستان تنها میدانی است که بطور واقعی، لاقابل در چهارچوب کنونی جهان، يك تقابل نظامی میان آمریکا و اسلام سیاسی ممکن است. تنها میدانی است که "جنگ طولانی علیه تروریسم" میتواند با يك اقدام نظامی چشمگیر و زود فرجام آغاز شود بی آنکه همه چیز بیکباره بهم بریزد.

این کشمکش سیاسی است

جنگ طولانی با تروریسم، یعنی جنگ قدرت آمریکا با اسلام سیاسی، پس از افغانستان ماهیتا کشمکش سیاسی خواهد بود، حای اگر طرفین در مقاطعی دست به اقدامات نظامی موضعی و عملیات تروریستی علیه یکدیگر بزنند. هدف این جنگ از جانب آمریکا حذف اسلام سیاسی نیست. برخلاف احسن گویی های تبلیغی دوم خردادی ها این جناب خاتمی و





عبدل کلپریان

شناسایی ایست بازرسی فیض آباد

با توجه به اینکه امکان دست رسی به گلوله آرپی جی میسر نشد تصمیم گرفتیم بدون آرپی جی عملیات ایزایی را بر روی ایست بازرسی فیض آباد انجام دهیم. ابتدا لازم بود محل را شناسایی کنیم. شناسایی این مکان در شب و نزدیک شدن به آن بزرگترین موفقیت آمیز نبود چرا که شبها هوا صاف و مهتابی و زمین پوشیده از برف بود در نتیجه تصمیم گرفتیم کار شناسایی آن را در طول روز خود بعهده بگیریم. بعد از مشورت با رفقای واحد برای کار شناسایی، از آنها جدا شدم و فقط کلت کمری را به همراه بردم و شب هنگام با کمک یک نفر و با استفاده از اتوموبیل او وارد شهر شدم. می بایست به منزل یکی از آشنایان می رفتم و روز بعد به شکلی برای شناسایی مقر بازرسی فیض آباد شخصا اقدام می کردم. (در مدت زمانی که در اطراف شهر بودیم کلید منزل تعدادی از کسانی که همکاری نزدیکی با واحد را داشتند و کاملاً قابل اتکا و اطمینان بودند در اختیار داشتیم و آنها خود این توضیح را کرده بودند. هر وقت لازم می دیدم و برای انجام ماموریتی بتنهایی در شهر حضور پیدا می کردم می توانستم راحت وارد منزلی که از قبل مد نظرم بود بشوم. علت این امر از نظر امنیتی این خاصیت را داشت که اگر بر حسب اتفاق اهالی منزل مورد نظر در خانه نمی بودند من دچار مشکل نمی شدم و یا اگر در منزل بودند و مهمان می داشتند، من می توانستم بدون زدن وارد منزل شده و تا خروج مهمانان در مکانی خود را موقتاً مخفی کنم).

آنتب نیز یکی از این منازل را که در محله چهار باغ بود مد نظر داشتم. ساعت حوالی ده شب بود. وقتی کلید را در جا کلیدی انداختم و داخل شدم متوجه شدم که کسی در

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست ونهم

منزل نیست و بنظر می رسید که اهالی منزل به مهمانی رفته باشند. بدون اینکه چراغی روشن کنم به یکی از اطافها رفتم کورمال کورمال دنبال لحاف می گشتم که پیدا کردم. آنرا در وسط اتاق پهن کرده روی قسمتی از آن بعنوان تشک دراز کشیدم و نیم دیگر آنرا همچون لحاف بروی خود کشیدم و آنقدر خسته بودم که سریع خواب برد.

پیشنهاد کرد موقع عبور از آن مسیر او نیز همراه من باشد که طبیعی تر جلوه کند و موقع ایست بازرسی با دیدن او و اینکه وانمود کنیم ما زن و شوهر هستیم زیاد گیر نخواهند داد و شاید اصلاً سئوالی هم نکنند. همسر هم پیشنهاد او را منطقی دانست و من هم موافقت کردم. به همین شکل کار شناسایی را بعداً ظهر همان روز شروع کردم. ماشین تهیه شد و من پشت فرمان نشستم و زن میزبان در طرف دیگر نشست و بطرف پست بازرسی فیض آباد حرکت کردیم. از قبل با هم صحبت کرده بودیم که اگر از ما پرسیدند کجا می روید در جواب بگوییم قصد رفتن به منزل بستگان در روستای "نه نه له" داریم. روستای "نه نه له" دو تا سه کیلومتر پایین تر از ایست بازرسی و در اطراف کانون کارآموزی قرار داشت.

من می بایست موقع توقف در آنجا بخوبی محل و اطراف آنرا دیدم می زدم و با ترسیم و تجسم موقعیت در ذهن خودم، بعداً کروکی آنرا روی کاغذ پیاده می کردم. از این نظر مشکلی نبود چرا که در کار



نقشه و کروکی تجربه داشتیم. (سال ۵۶ توانسته بودم نقشه شهر سنندج را بر روی یک تابلو بطور تقریبی بکشم). بهرحال به محل ایست بازرسی رسیدیم. یکی از مزدوران محلی بطرف ماشین آمد و چون در طرف سمت راست به ماشین نزدیک شد و ساختمان محل استقرار آنها در همان سمت بود از خانم میزبان که با من همراه بود و حاملگی او کاملاً مشهود بود پرسید: کجا می روید؟ او هم با حالت و زرنگی خاصی توام با لحن نسبتاً تند گفت می رویم به روستای نه نه له. این را طوری بیان کرد که بنوعی پس زدن مامور را نیز در خود داشت. مزدور محلی از اینکه باید در سئوال کردن از یک زن حامله حواسش جمع باشد قدری از ماشین فاصله گرفت و گفت بفرماید. در تمام طول این لحظات که شاید کمتر از یک دقیقه طول کشید، کار شناسایی را من تمام کردم. موقعیت ساختمان، تپه های اطراف آن، سمت خودم که تپه مقابل بود و می بایستی از آنجا وارد عمل می شدیم و خلاصه همه اینها را در

این مدت زمان کوتاه به حافظه ام سپردم. بطرف روستای نه نه له که کاملاً در دید ایست بازرسی بود رفتیم. برای مدت خیلی کوتاهی صبر کردیم و مجدداً از همان مسیر برگشتیم. قرار شد اگر دوباره همان مامورما دستور توقف داد بگوییم کسانی که می خواستیم به نزدشان برویم منزل نبودند و رفته اند مسافرت. هنگام بازگشت و رسیدن به نقطه بازرسی همان مامور قبلی دوباره دستور توقف داد و اینبار من در سمت او قرار گرفته بودم. همینکه خواست سوال کند تا چشمش به خانم همراه من افتاد یادش آمد که چند لحظه پیش ما را دیده است و بدون اینکه سئوالی بکند گفت بفرماید. در این لحظه هم فرصت خوبی برای روزنه دیدن من برای مشاهده دقیق ساختمان ایست بازرسی بود که اینبار در سمت چپ من قرار داشت. بعد از انجام موفقیت آمیز کار شناسایی همه چیز در نهایت آرامش و بدون عیب و نقص به انجام رسید و یکسر به منزل برگشتیم.

ادامه دارد

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

از صفحه ۶
دنیا پس از ۱۱ سپتامبر ...

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

منجر میشود. اما این کشمکش در يك صحنه خالی صورت نمیگیرد. خاورمیانه، همچنان که خود غرب، صحنه جدال جنبشهای اجتماعی ای است که مقدم بر این کشمکش بورژوازی غرب با اسلام سیاسی وجود داشته اند و روند سیاسی در جوامع مختلف را شکل داده اند. جدال غرب با اسلام سیاسی، با همه اهمیتی که دارد، نیروی محرکه و موتور پیشبرنده تاریخ در این جوامع نیست، برعکس، خود در متن این تاریخ قرار میگیرد و معنی میشود. جدال بر سر تعیین نظم نوین جهانی بازیگران مهم تری دارد. طبقات اجتماعی و جنبشهای سیاسی آنها چه در غرب و چه در خاورمیانه، بر سر آینده سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جهان صحنه شده اند. این جنبشها هستند که مستقل از خواست سران و سیاستمداران غربی و زعمای اسلام سیاسی، جهت نهایی این روندها را تعیین خواهند کرد.

بطور مشخص، تا آنجا که به خاورمیانه مربوط میشود، حتی اگر غرب خواهان عقب نشینی جزئی اسلام سیاسی و تعریف مبانی يك همزیستی جدید با آن باشد، جنبشهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه و سکولاریستی در منطقه در این شرایط جدید مستقل از طرحهای غرب به جلوی صحنه میایند. برای مثال بنظر من اسلام سیاسی در ایران سرنگون میشود، نه از آن رو که غرب در این رویارویی اخیر چنین تمایل یا جهتی دارد، بلکه از آنجا که در متن و به موازات این کشمکش جدید مردم ایران و در راس آنها کمونیسم کارگری حکومت اسلامی را بزیر می شکنند. شکست جمهوری اسلامی بزرگترین ضربه بر پیکر اسلام سیاسی خواهد بود. اگر حل مساله فلسطین شرط از بین رفتن زمینه های سیاسی و فکری و فرهنگی رشد اسلام سیاسی در خاورمیانه و در سطح جهانی است، شکست جمهوری اسلامی شرط در هم کوبیده شدن آن بعنوان يك جنبش مدعی قدرت در خاورمیانه است. بدون جمهوری اسلامی ایران، اسلام سیاسی در مقیاس خاورمیانه به يك جریان اپوزیسیون بی افق و بی آینده تبدیل میشود.

آمریکا با يك جنبش سیاسی مدعی قدرت در خاورمیانه، با يك دامنه عمل جهانی، برای تعریف يك موازنه سیاسی و ترسیم قلمروهای نفوذ و هژمونی خویش. غرب در پی ایجاد دموکراسی های غربی در خاورمیانه نیست. آمریکا و پاکستان و ایران و طیف وسیع مرتجعین در منطقه دارند از هم اکنون برای تحمیل يك حکومت استبدادی و عقب مانده دیگر بر مردم افغانستان با هم بند و بست میکنند. ایران و عربستان و پاکستان و شیخ نشین های خلیج، این مرتجع ترین رژیمهای جهان امروز، متحدین رسمی و عملی غرب در این کشمکش اند. حتی در صورت سقوط دولتهای اسلامی، آلترناتیو حکومتی مورد نظر غرب در منطقه احزاب راست ارتجاعی و نظامهای پلیسی و نظامی خواهد بود.

آمریکا تاریخ را نمیسازد

اما غرب آینده این روند را تعیین نمیکند. سیاست کنونی و اقدامات آمریکا چهارچوبهای سیاسی موجود در خاورمیانه را خواه ناخواه بهم میریزد، اما مناسبات آلترناتیوی که شکل خواهد گرفت را نیروهای دیگری تعیین خواهند کرد. در این شك نیست که رویارویی غرب با اسلام سیاسی به تضعیف جنبش اسلامی و احزاب و دولتهای این جنبش

این يك جنگ قدرت است و نه يك کشمکش بر سر اسلام، لیبرالیسم، دموکراسی غربی، آزادی، مدنیت، امنیت یا تروریسم. این نبردی است میان ابر قدرت



صفحه بندی: فرزاد کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!